



معاونت پژوهش‌های
بنیادین

مجلس

نشست علمی

«قلمرو صلاحیت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از جهت دستگاه‌های تحت شمول؛ از عمومیت نظری تا تقیید رویه‌ای»

■ شماره مسلسل: ۱۴۰۱۰

■ تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳



شناسنامه

عنوان:

نظرات شاخص شورای نگهبان

«قلمرو صلاحیت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی
از جهت دستگاه‌های تحت شمول؛ از عمومیت نظری تا تقييد رویه‌ای»
(اظهارنظر تفسیری شماره ۳۳۴۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۷ شورای نگهبان پیرامون اصل
۷۶ قانون اساسی)

تحقیق و تنظیم:

محمدجواد شفقى

ناظران علمی:

دکتر حامد نیکونهاد

کمال کدخدامرادى

شماره مسلسل: ۱۴۰۱۰۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

پژوهشگاه شورای نگهبان



پیشگفتار

صیانت از شریعت مقدس اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسالت مقدسی است که زمینه گسترش و تحقق کامل عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورد و سرمایه اجتماعی نظام را بیش از پیش مستحکم می‌سازد. شورای نگهبان نهادی اساسی است که در جهت صیانت از این دو هنجار برتر، صلاحیت‌هایی چون نظارت بر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی، نظارت بر انتخابات و نظارت شرعی بر قوانین و مقررات را بر عهده دارد. عمده این کارویژه‌ها در نظرات این شورا اعم از نظرات تفسیری (موضوع اصل ۹۸ قانون اساسی)، نظرات تطبیقی (تطبیق مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی)، نظرات مشورتی (نظراتی که نصاب لازم تفسیر را کسب نمی‌کنند) و نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان (موضوع اصل ۴ قانون اساسی) منعکس می‌شود. اهمیت تتبع و انعکاس در این نظرات بر کسی پوشیده نیست؛ چه آنکه شورای نگهبان، هنگامی که در قامت مفسر رسمی قانون اساسی ظاهر می‌شود، با ارائه تفسیری لازم‌الاتباع از اصول قانون اساسی، اجرای مفاد این قانون را ممکن می‌سازد؛ یا هنگامی که به تطبیق مصوبات مجلس با موازین اسلامی و قانون اساسی می‌پردازد، نقش صیانت‌گرایانه خویش را از اصول قانون اساسی ایفا می‌کند و یا هنگامی که در مقام اعمال نظارت شرعی بر می‌آید، مبنای دینی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و شرعی بودن کلیه قوانین و مقررات را تضمین و عینیت می‌بخشد. بر همین اساس و باتوجه به تأثیرات انکارناپذیر این نظرات بر کلیت نظام حقوق اساسی کشور، مطالعه و تحلیل ابعاد گوناگون آن‌ها حائز اهمیت می‌باشد.

در همین راستا، پژوهشکده شورای نگهبان به عنوان بازوی پژوهشی این شورا، طرح پژوهشی «بازخوانی تحلیلی نظرات شاخص شورای نگهبان» را با هدف تحلیل مبانی، آثار و نقاط قوت و ضعف نظرات شاخص و نیز کشف ظرفیت‌های شورای نگهبان در تحول و تکامل نظام حقوقی و آسیب‌شناسی مسائل مهم و تأثیرگذار آن از خلال بازخوانی این نظرات، در قالب سلسله نشست‌هایی طراحی نمود که دستاوردهای آن

هم‌اکنون پیش روی اندیشمندان و پژوهشگران قرار دارد. منظور از «نظرات شاخص» در این طرح، آن دسته از نظراتی است که تأثیری ویژه بر نظام حقوقی نهاده‌اند، به نحوی که یا تحولی بنیادین در نظام حقوقی را رقم زده‌اند، یا شکل‌گیری رویه‌ای نوین را سبب شده‌اند و یا رویکردی خلاف رویکردهای مشهور را در پیش گرفته‌اند.

روش اجرای طرح نیز بدین صورت است که نظری شاخص در دستور کار هر نشست قرار می‌گیرد و هریک از پژوهشگران براساس سند پشتیبان تهیه‌شده از سوی دبیر جلسه، پیشاپیش به مطالعه سند و موضوعات مرتبط با دستور جلسه می‌پردازند و در حین برگزاری نشست، نتایج مطالعات خود را با سایر پژوهشگران به بحث و اشتراک می‌نهند. گزارش پیش‌رو، روایت نکات مطرح شده در جلسات است که توسط دبیر هر جلسه به رشته تحریر درآمده است.

ذکر این نکته ضروری است که این اثر نیز همچون سایر آثار بشری، خالی از نقصان و اشتباه نبوده و از تمامی صاحب‌نظران عرصه حقوق عمومی دعوت می‌شود تا با بیان کاستی‌های موجود در این اثر، موجبات رشد و ارتقای آن در چاپ‌های بعدی را فراهم آورند.

لازم به ذکر است که این گزارش، نظرات اعضای حاضر در جلسه بوده و بیانگر نظر پژوهشکده شورای نگهبان نمی‌باشد.

پژوهشکده شورای نگهبان

اسفندماه ۱۴۰۱

شناسنامه نشست

نشست بررسی و تحلیل اظهارنظر تفسیری شورای نگهبان راجع به اصل ۷۶ به شماره ۳۳۴۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۷ با موضوع «قلمرو صلاحیت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از جهت دستگاه‌های تحت شمول؛ از عمومیت نظری تا تقیید رویه‌ای» با حضور پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان در تاریخ ۱۴۰۱/۴/۲۱ برگزار شد.

نشست حاضر با حضور پژوهشگران ذیل (به ترتیب حروف الفبا) برگزار شد:

آقایان مهدی ابراهیمی، علی آریان‌نژاد، میثم اقبایی فام، دکتر محمدحسن باقری خوزانی، دکتر احمد تقی‌زاده، علیرضا جعفرزاده، سید حسن حیدری، هادی رضوان، محمدجواد شفق، مجید شه‌ماروند، امیرمهدی طالبی، محمدصادق فراهانی، حمید فعلی، کمال کدخدامرادی، دکتر حامد نیکونهاد، محمدمهدی همتی‌فقیه.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۲
چکیده.....	۶
مقدمه.....	۷
۱. تفوق برخی نهادها و نسبت آن با نظارت‌پذیری.....	۱۱
۲. حدود و ثغور صلاحیت مجلس نسبت به حق تحقیق و تفحص.....	۱۶
۱-۲. دیدگاه حداکثری نسبت به صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص.....	۱۶
۲-۲. دیدگاه حداقلی نسبت به صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص.....	۲۲
جمع‌بندی.....	۲۶
منابع برای مطالعه بیشتر.....	۲۹

چکیده

نظارت بر قدرت یکی از اصول مهم و قابل توجه در نظام حقوق اساسی و مبتنی بر مبانی مستحکم حقوقی و دینی است. این نظارت از طریق ابزارهایی در ارتباط میان قوای سه گانه اعمال می گردد. از جمله آن موارد، ابزارهای نظارت پارلمانی مجلس به عنوان نمایندگان ملت بر دولت است و یکی از مؤثرترین مصادیق آن، حق تحقیق و تفحص مجلس در تمام امور کشور به موجب اصل ۷۶ قانون اساسی است. در رویه کنونی به موجب تفاسیر و نظرات شورای نگهبان با تمسک به تفوق برخی مقامات و نهادها، اعمال این حق از سوی مجلس با محدودیتها و استثنائاتی رو به رو است؛ مواردی چون مقام معظم رهبری و نهادهای زیر نظر ایشان (که موکول به اذن ایشان شده است)، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام. از این رو این نشست با هدف پرداختن به این پرسشها برگزار شد که در صورت پذیرش نهادهای فرازین و فرودین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، معیار و ضوابط تفوق آنها چیست و این که با تعمق در ماهیت حق تحقیق و تفحص چه میزان استثنائات وارد بر آن در تفسیر شورای نگهبان قابل دفاع است. در ادامه دو رویکرد حداقلی و حداکثری در دایره شمول حق مزبور بر نهادهای حقوق اساسی و مبانی آنها مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی

اصل ۷۶ قانون اساسی، تحقیق و تفحص، نظارت عمومی، نهادهای مافوق مجلس، نهادهای زیر نظر رهبری.

مقدمه

در نظام‌های سیاسی مختلف با توجه به نوع و ساختار این نظام‌ها و عوامل دخیل در آن، هر کدام از قوا روش‌های خاصی برای اعمال نظارت و تأثیرگذاری بر دیگری به عنوان نظارت برون قوه‌ای^۱ در اختیار دارد که از طرق گوناگون قابل اعمال است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها حق تحقیق و تفحص است که نمایانگر نظارت نمایندگان مردم در پارلمان به عنوان یکی از ابزارهای کنترل سایر قوا در راستای استیفای حقوق شهروندان است. در رابطه با گستره نهادی حق مزبور این سؤال مطرح است که تا چه میزان مجلس می‌تواند این حق را به کار بندد و چه نهادهایی مشمول آن هستند. پاسخ به این سؤال در گرو توجه به ماهیت حق تحقیق و تفحص است و از این جهت حائز اهمیت است که بر تعیین محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر آن تأثیر می‌گذارد. به عبارتی اگر این حق را ناشی از حق نظارت^۲ عام‌الشمول مردم بدانیم دائره شمول آن به لحاظ موضوعی و نهادی حداکثری و استثنائات وارد بر آن بسیار محدود خواهد بود اما اگر صرفاً آن را به نظارتی سیاسی و نهادی فرو بکاهیم، طبیعتاً این صلاحیت با استثنائات فراوانی رو به رو می‌شود.

از سوی دیگر باید توجه داشت که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چه در زمینه نظارتی و چه تقنینی جایگاه برخی نهادها و ارتباط میان آن‌ها مبهم و گاهاً موجد چالش‌هایی برای امر حکمرانی قانون و نظارت است. از جمله این موارد در نظرات شورای نگهبان پیرامون اصل ۷۶ قانون اساسی متبلور است. توضیح آن‌که اصل ۷۶ قانون اساسی بیان می‌کند که مجلس حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. تحقیق و تفحص یکی از ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی است که طیف وسیعی از

۱. راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دراک، ۱۴۰۰، ص ۱۹.

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به جمعی از نویسندگان، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، جلد دوم خ - ی، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵۰ - ۱۱۳۹.

جمعی از نویسندگان (حسین آئینه‌نگینی، حسین امینی‌پزوه، مهدی نورایی، حامد نیکونهاد)، آشنایی با مفاهیم قانون اساسی؛ تحلیل برخی کلیدواژگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، تهران، ۱۳۹۸، (کلید واژه نظارت)، ص ۲۱۶ - ۱۶۷.

نهادها را شامل می‌شود. در واقع در راستای اصل نظارت‌پذیری مردمی نهادهای عمومی و از سوی دیگر اعمال صلاحیت نظارتی مجلس به عنوان عصاره ملت و جمعی برآمده از مردم بر سایر نهادها، این حق به مجلس شورای اسلامی داده شده است.

از سوی دیگر محدوده‌ی اعمال حق تحقیق و تفحص در نظرات شورای نگهبان دارای استثنائاتی است. از جمله این نظرات، نظر تفسیری شماره ۳۳۰۸ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۳ شورای نگهبان است که بیان کرده «...اصل ۷۶ شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان نمی‌شود». بر اساس این نظر، مقامات و نهادهای مزبور مشمول صلاحیت نظارت مجلس نیستند. در همین راستا، نظر تفسیری شماره ۳۳۴۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۷ نیز همان جمله را تکرار کرده اما دلیل این استثنا را با

۱. تأییدیه تلفنگرام شماره: ۴۳۳-۲۱۴/۳۱۳ تاریخ: ۶۷/۱۰/۱

بسمه تعالی

تلفنگرام فوری

از کمیسیون داخلی مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان برادر ارجمند آیت محمدی گیلانی دبیر شورای محترم نگهبان دامت برکاته. سلام علیکم

احتراماً در پی درخواست جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ریاست محترم مجلس بر اساس اصل هفتادوشش قانون اساسی در مورد تحقیق و تفحص شخص در خصوص علت ابطال انتخابات پانزده حوزه انتخابیه در مرحله اول دوره سوم و ارجاع نامه شماره ق-۳۰۳۹ - ۱۷/۹/۶۷ ریاست محترم مجلس به کمیسیون داخلی نظر به اینکه کمیسیون مزبور قرار است کار تحقیقات و تفحص انتخابات مذکور را با مدارک لازم انجام و گزارش آن را به ریاست محترم مجلس ارسال نماید

لذا تقاضامندم حضرتعالی در جلسه کمیسیون شوراها و امور داخلی مورخه ۴/۱۰/۶۷ ساعت ۱۴ تشریف‌فرما شوید. ضمناً مدارک ابطال را کتباً به این کمیسیون ارسال فرمائید.

موجب کمال تشکر و امتنان است.

اشرفی اصفهانی-رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی

ریاست محترم کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس شورای اسلامی

- نظر شماره ۳۳۰۸ تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۳ شورای نگهبان عطف به تلفنگرام شماره ۴۳۳-۳۱۳/۲۱۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱:

و علیکم‌السلام و رحمه‌الله، «بر اساس نظر تفسیری شورای نگهبان اصل ۷۶ شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان نمی‌شود».

دبیر شورای نگهبان - محمد محمدی گیلانی

۲. شماره ۳۳۴۴ تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عبارت «...که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند...» افزوده است. در حقیقت ذکر عبارت «از قبیل» در نظر تفسیری فوق که بیانگر تمثیل است و نیز وصف «که مافوق مجلس هستند» که ظهور در علیت برای جمله قبل دارد، نشان می‌دهد نهادهایی که مافوق مجلس محسوب می‌گردند به دلیل این برتری مصون از نظارت موضوع اصل ۷۶ هستند.

در این رابطه نکته‌ای که وجود دارد آن است که فضا و سیاق تاریخی حاکم بر این نظر تفسیری به زمان پس از انتخابات مجلس سوم در فروردین سال ۱۳۶۷ بر می‌گردد که ادعاهایی مبنی بر تقلب و بازشماری آراء مطرح شد و بحث تحقیق و تفحص نسبت به فرایند انتخابات^۱ (که ورود در صلاحیت شورای نگهبان بود) نیز شنیده می‌شد.^۲ در این نظر تفسیری که بیان شد چنانکه در پاورقی ذکر شده، رئیس وقت کمیسیون شوراها و امور داخلی خطاب به دبیر شورای نگهبان درخواست می‌کند که برای بحث پیرامون درخواست جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ریاست محترم مجلس بر اساس اصل ۷۶ قانون اساسی در مورد تحقیق و تفحص در خصوص علت ابطال انتخابات پانزده حوزه انتخابیه در مرحله اول دوره سوم، در جلسه کمیسیون شوراها و امور داخلی حاضر شود که نهایتاً چنین نظر تفسیری ابراز می‌شود.

در این خصوص موارد دیگری وجود دارد که در نظرات شورای نگهبان مستثنی از صلاحیت تحقیق و تفحص مجلس شده‌اند. به عنوان مثال، شورای نگهبان در اظهارنظر شماره ۴۰۴۸ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۱۴ در مورد طرح اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس مصوب

شورای نگهبان در مقام تفسیر اصل ۷۶ قانون اساسی نظر تفسیری متفق علیه خود را به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

«اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند، نمی‌شود.» لازم به ذکر است هر دو نظر شماره ۳۳۰۷ و ۳۳۴۴ در پاسخ به تلفنگرام کمیسیون داخلی مجلس شورای اسلامی بیان شده است.

۱. جهان‌محمدی، رضا؛ مجلس شورای اسلامی دوره سوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، چاپ اول، صص ۴۱-۴۲.

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به زندگی، محمدعلی زندی. «سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی»، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳ قابل دسترس در:

<https://slink.shora-gc.ir/KsjSk>

۱۳۷۱/۱۰/۵ مجلس شورای اسلامی،^۱ ابراز داشته «...۲ - ذیل تبصره ۴ و عموم صدر تبصره ۵ از این جهت که به مجلس اجازه تحقیق و تفحص و یا رسیدگی به شکایات را در مورد نهادهای تحت امر مستقیم مقام معظم رهبری داده است خلاف اصول متعدد قانون اساسی شناخته شد و اگر عبارتی در قالب تبصره جدید و یا ذیل تبصره ۴ به این صورت آورده شود: تحقیق و یا رسیدگی به شکایات مربوط به مأمورین متخلف در نهادهایی که تحت امر مستقیم مقام معظم رهبری مدظله العالی اداره می شود طبق نظر معظم له رسیدگی خواهد شد، رفع این اشکال خواهد شد.» همچنین این شورا در اظهار نظر شماره ۷۸/۲۱/۴۵۵۱ مورخ ۱۳۷۸/۲/۸ ذیل طرح آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۱/۱۸ مجلس شورای اسلامی بیان کرده: «...۲۹- عموم امور مذکور در ماده ۱۹۸ چون شامل دستگاههایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری هستند و یا خبرگان رهبری و شورای نگهبان نیز می شود با توجه به تفسیر معمول توسط شورای نگهبان خلاف اصل ۷۶ قانون اساسی است.» در همین راستا، تبصره ۷ ماده ۲۱۲ قانون آیین نامه داخلی مجلس به عنوان قانون حاکم که مورد تأیید شورای نگهبان نیز قرار گرفته، در این رابطه با عبارتی مشابه بیان می کند «...و در مورد دستگاههایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند با اذن معظم له امکان تحقیق و تفحص توسط مجلس وجود دارد.» بر اساس نظرات فوق نهادهای زیر نظر مستقیم رهبری مشمول حق تحقیق و تفحص نیستند و اعمال این حق طبق نظر ایشان خواهد بود.

علاوه بر موارد فوق، در دیگر نظرات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام به لحاظ نهادی و نیز امور ماهیتاً قضایی از حیث موضوعی، از اعمال تحقیق و تفحص استثنا شده اند. در این رابطه همان تبصره ۷ ماده ۲۱۲ قانون فوق بیان می کند: «تحقیق و تفحص مجلس شامل شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و پرونده های جریانی مراجع قضائی و امور ماهیتی قضائی نمی شود و در مورد دستگاههایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند با اذن معظم له امکان تحقیق و تفحص

۱. عطف به نامه شماره ۷۴۸ - ق مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۷: «طرح قانونی حذف تبصره ۲ ماده ۱۴۹ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی» و الحاق ۴ تبصره به آن مصوب جلسه ۱۳۷۱/۱۰/۵ مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۱۳ شورای نگهبان مطرح گردید و پس از بحث و بررسی نظر شورا بدین شرح اعلام می گردد.

توسط مجلس وجود دارد.» که این تبصره با ایراد شورای نگهبان مواجه نشده است. همچنین شورای نگهبان در اظهارنظر شماره ۸۷/۳۰/۲۸۹۴۹ مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ راجع به طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی بیان داشته: «۲۲ - عموم امور مذکور در ماده (۲۵) موضوع ماده (۱۹۸)، چون شامل دستگاه‌هایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند و یا خبرگان رهبری و شورای نگهبان نیز می‌شود و با توجه به تفسیر شورای نگهبان، مغایر اصل ۷۶ قانون اساسی است. علاوه بر این تحقیق و تفحص در امر قضا، مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.»

با توجه به مطالب فوق سؤالاتی که در دو محور مطرح می‌شود بدین شرح است:
محور اول: آیا اساساً نهادهای فرازین و فرودین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده‌اند؟ در صورت ارائه پاسخ مثبت، معیار و ضوابط تفوق نهادهای مزبور چیست؟ در واقع ابتدا لازم است دریابیم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، سلسله مراتب نهادهای حقوق اساسی چگونه است تا بتوان استناد شورای نگهبان به مافوق بودن برخی نهادها مورد تحلیل قرار گیرد و معیار این تفوق بررسی شود.

محور دوم: پس از فهم محور اول، ماهیت حق تحقیق و تفحص چیست و مبتنی بر این ماهیت چه میزان استثنائات وارد بر تحقیق و تفحص در تفسیر شورای نگهبان قابل دفاع است؟

از این‌رو در ادامه ضمن تحلیل نظرات پیش گفته، هر یک از دو محور مذکور با طرح دیدگاه‌های مختلف بررسی شده و در پایان جمع‌بندی می‌گردد.

۱. تفوق برخی نهادها و نسبت آن با نظارت‌پذیری

۱. تشخیص این‌که نهادهای مافوق مجلس تابع چه ضوابطی هستند امری ساده نیست. خصوصاً آن‌که شورای نگهبان در اظهارنظر خود از تعبیر «از قبیل» استفاده کرده و به این ترتیب مصادیق نهادهای مافوق را تمثیلی قلمداد کرده است. این نوع از اظهارنظر خود محل نقد است؛ چراکه اظهارنظر تفسیری، در مقام بیان مقصود قانون‌گذار اساسی است و باید تا حد ممکن شفاف باشد؛ زیرا از این عبارت مشخص نیست محدوده نهادهای برتر از مجلس که امکان تحقیق و تفحص نسبت به آن‌ها وجود ندارد کجاست؟

۲. قانون اساسی تنها ملاک و مبین سلسله مراتب نهادهای حقوق اساسی است چراکه متکفل بیان طبقه‌بندی هنجارها و سطح نهادهای حاکمیتی است. در خصوص رابطه رهبری، قوای سه‌گانه و سایر نهادهای خارج از سه قوه باید گفت تنها مقامی که قانون اساسی در اصول ۱۵۷ و ۱۱۳ تفوق آن را بیان کرده مقام رهبری است. به موجب این اصل و با قبول تفوق رهبری، قوای سه‌گانه بایستی زیر نظر رهبری و در عرض یکدیگر و با حفظ استقلال و تفکیک صلاحیت‌ها، به وظایف خود عمل کنند. در مورد سایر نهادهای غیر از رهبری بیانی راجع به تفوق برخی بر دیگری و نیز تفوق بر قوای سه‌گانه در قانون اساسی مطرح نشده است. نهادهای فراقوه‌ای چون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و برخی شوراهای عالی که در قانون اساسی برای آن‌ها وظایف و صلاحیت‌های خاصی پیش‌بینی شده که القا کننده نوعی تفوق به جهت برخورداری از اختیاراتی ویژه است.

۳. در نظام حقوقی کشور نهادهای فراقوه‌ای و شوراهای عالی وجود دارند که از حیث ساختاری وابستگی به قوای سه‌گانه ندارند، از حیث صلاحیت احکامی ناظر به دستگاه‌ها و بخش‌های مختلف صادر می‌کنند که آن مصوبات لازم‌الاجرا است به نحوی که در برخی موارد غیر قابل نقض توسط سایر قوا است. همچنین از جهت جایگاه مصوبات، مصوبات برخی از نهادها فراتر از قانون است یا رابطه آن‌ها با قوانین عادی مصوب مجلس مشخص نیست، مانند برخی مصوبات شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی. با عنایت به این مؤلفه‌های ساختاری، صلاحیتی و جایگاه مصوبات، مطابق یک رویکرد، نهادهای مزبور مافوق مجلس محسوب می‌گردند و از تحقیق و تفحص موضوع اصل ۷۶ استثنا شده‌اند. در مقابل، رویکرد دیگری بیانگر آن است که در قانون اساسی صراحتی در مورد تفوق این

۱. اصل ۵۷: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

۲. اصل ۱۱۳: پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

نهادهای نیست؛ بلکه تنها صلاحیت‌های خاصی به موجب قانون برای آنها تعیین گردیده است؛ بنابراین هرچند مجمع تشخیص مصلحت نظام، نظر نهایی را نسبت به مصوبات اصراری مجلس ارائه می‌دهد و به همین دلیل ادعا می‌شود که مافوق مجلس است یا شورای نگهبان از صلاحیت بررسی عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی برخوردار است و اینکه اصل ۹۳ قانون اساسی را می‌توان به عنوان شاهدی بر مافوق بودن شورای نگهبان نسبت به مجلس شورای اسلامی ادعا نمود؛ اما با این همه به نظر می‌رسد نتوان مافوق بودن نهادهای مزبور نسبت به مجلس را با استناد به این دلایل اثبات نمود؛ زیرا تعیین صلاحیت خاص و کارویژه برای نهادی در قانون اساسی در راستای مشخص نمودن سازوکارها و چارچوب نظام حقوق اساسی است که اجزای آن به مثابه قطعات پازل یکدیگر را کامل می‌سازند و هر کدام به نوعی به یکدیگر وابسته هستند؛ بنابراین هر چند وجود سلسله مراتب میان نهادهای حقوق اساسی، امری اجتناب‌ناپذیر در جهت حرکت صحیح یک نظام حقوقی است اما تعیین آن نیاز به تصریح در قانون اساسی دارد.

۴. یکی از نهادهای استثنا شده از موضوع اصل ۷۶ قانون اساسی، نهادهای زیر نظر رهبری است. اصطلاح زیر نظر در قانون اساسی در اصول ۵۴، ۵۷، ۱۷۳ و ۱۷۴ به کار رفته است. در اصول ۵۴ و ۱۷۳ و ۱۷۴ اصطلاح زیر نظر بیانگر صلاحیت نظارت سازمانی و تشکیلاتی مقام مسئول بر تشکیلات و نهاد زیر مجموعه خویش است؛^۱ اما در اصل ۵۷ اصطلاح زیر نظر، بیانگر نظارت عالیه رهبری بر قوای سه‌گانه است، چه آنکه رابطه رهبری با قوا از نوع رابطه سازمانی و تشکیلاتی نیست. در این رابطه به نظر می‌رسد مراد از نهادهای زیر نظر رهبری در نظرات پیش گفته شورای نگهبان، معنای نخست است، چراکه تبیین دوم در این مقام معنا ندارد و منتج به این امر

۱. جمعی از نویسندگان (حسین آئینه‌نگینی، حسین امینی‌پزوه، مهدی نورایی، حامد نیکونهاد)، آشنایی با مفاهیم قانون اساسی؛ تحلیل برخی کلیه‌واژگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، تهران، ۱۳۹۸، ص ۲۱۱. (کلید واژه نظارت)

می‌گردد که حتی قوای دیگر نیز که بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی تحت نظارت عالی رهبری قرار دارند نیز از شمول تحقیق و تفحص خارج شوند.

۵. در مورد نهادهای زیر نظر مقام رهبری، این سؤال وجود دارد که چه نهادهایی را شامل می‌شود و در واقع ملاک زیر نظر رهبری بودن آن‌ها چیست. به طور کلی نهادهای زیر نظر رهبری را می‌توان بر اساس ملاک‌های^۱ ذیل دسته‌بندی کرد: انتصاب بالاترین مقام نهاد توسط رهبری، تأیید احکام صادره آن نهاد توسط رهبری، حضور نماینده رهبری در آن نهاد، دستور تشکیل آن نهاد توسط مقام معظم رهبری و انتصاب همه اعضای یک نهاد توسط رهبری^۲. دو دیدگاه در این رابطه قابل طرح است. در یک نگاه، نهادی زیر نظر رهبری محسوب می‌گردد که یکی از ملاک‌های فوق را دارا باشد. برای مثال اگر تصمیمات و مصوبات یک نهاد را به عنوان جلوه بیرونی آن نهاد قرار دهیم، نهادهایی را می‌توان زیر نظر رهبری دانست که تمام تصمیمات آن‌ها به تأیید رهبری برسد که طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی شورای عالی امنیت ملی مصداق آن خواهد بود. همچنین نیروهای مسلح که رهبری شخصاً فرماندهی آن‌ها را بر عهده دارد و تصمیمات آن‌ها به تأیید رهبری می‌رسد نیز از مصادیق این نگاه است. در نگاه دیگر و با رویکردی موسع، اساساً نظام اسلامی با تمام ساختار و نهادهای خود مشروعیتش را مرهون ولی فقیه است؛ بنابراین تمام ارکان و نهادهای حقوقی زیر نظر رهبری محسوب می‌گردد. ناگفته روشن است که موضوع بحث در این گزارش نگاه نخست است.

۶. علاوه بر ملاک‌های فوق، بر اساس یک نگاه، ماهیت وظایف این نهادها از حیث امور حاکمیتی و غیر آن نیز می‌تواند مورد نظر قرار گیرد به این نحو که ادعا شود نهادهای زیر نظر رهبری که ماهیت حاکمیتی دارند و یا در زمینه موضوعات حاکمیتی

۱. جهت مطالعه بیشتر و ارزیابی آن‌ها مراجعه کنید به: آقائی طوق، مسلم، صدری ارحامی، محمد و مختاری، ایمان. بررسی مفهوم نهادهای زیرمجموعه رهبری و کیفیت نظارت بر آن‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی. ۱۴۰۰؛ ۲۶ (۹۶): ۹۳-۱۱۲. ص ۹۶.

۲. رستمی، ولی قطبی، میلاد. تحلیلی بر مفهوم نهادهای زیر نظر رهبری در نظام تقنینی ایران. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۳۹۳؛ ۳ (۹): ۶۹-۹۰، ص ۷۲.

مندرج در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی فعالیت دارند، مشمول استثنا شورای نگهبان در مورد تحقیق و تفحص هستند؛ اما در مورد نهادهایی که ماهیت غیرحاکمیتی دارند یا در موضوعاتی که اجرایی و مدیریتی محسوب می‌شوند، مشمول تحقیق و تفحص مندرج در اصل ۷۶ می‌گردند؛ به عبارت دیگر مانند رهبری که مافوق مجلس محسوب می‌شود (با توجه به اصل ۵۷ قانون اساسی)، نهادهای زیر نظر ایشان که متولی صلاحیت‌های فرا قوه‌ای رهبری هستند نیز این گونه‌اند و مافوق مجلس به حساب می‌آیند؛ اما نهادهایی که متولی امور اجرایی هستند، همچون کمیته امداد، بنیاد شهید، اوقاف، بنیاد مستضعفان و موارد مشابه مشمول این عنوان نخواهند شد.

۷. بر خلاف برخی نهادهای کلان و فراقوه‌ای که در قانون اساسی به آن‌ها تصریح شده و تا حدودی به لحاظ وضعیت حقوقی، جایگاه مشخصی دارند اما در مورد نهادهای زیر نظر رهبری این گونه نیست.^۱ لذا تبیین و تفکیک دقیق مرز نهادهای زیر نظر رهبری با سایر اجزا نظام حقوق اساسی و اتخاذ رویه واحد در مورد آن‌ها در قوانین و مقررات در زمینه نظارت‌پذیری، ضرورت دارد. در این رابطه دو رویکرد قابل طرح است. براساس یک رویکرد نظارت مجلس بر نهادهای زیر نظر رهبری منافاتی با اختیارات ولی فقیه ندارد. در واقع با عنایت به معیارهای پیش گفته، ملاک زیر نظر رهبری بودن نهادهای مزبور هر عاملی باشد، دلیلی بر تفوق آن‌ها بر مجلس شورای اسلامی وجود ندارد و نمی‌توان به استناد جایگاه مقام رهبری، نهادهای مزبور را نیز استثنا نمود.. از سوی دیگر براساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی، رهبری با سایر مردم در برابر قانون مساوی است لذا به‌طریق اولی نهادهای زیر نظر رهبری نیز در برابر قانون مستثنی نیستند. در مقابل این دیدگاه مطرح است که در خصوص تفوق، شورای نگهبان هیچ گاه قائل نبوده که نهادهای زیر نظر رهبری به علت این که مافوق مجلس هستند مورد نظارت قرار نگیرند و از نظرات پیش گفته نیز چنین امری قابل برداشت

۱. رستمی، ولی، قطبی، میلاد و حضوری، مصطفی. «نظارت بر نهادهای زیر نظر رهبری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، شماره ۸۸، پیاپی، ۱۳۸۸، ص ۶۶.

نیست. از سوی دیگر تساوی رهبری با سایر مردم در برابر قانون به این معنا نیست که از طریق مجلس بتوان بر مقام رهبری نظارت نمود چرا که تلازمی میان این دو وجود ندارد. زیرا نظارت بر رهبری و نهادهای مرتبط از طریق سازکار خاص به خود قابل اعمال است و این به معنای عدم تساوی یا نظارت ناپذیری نیست. در واقع برداشت نادرستی از تساوی در برابر قانون رخ داده و از اقتضائات و لوازم خاص نظارت در یک نظام حقوقی چشم پوشی شده است.

۲. حدود و ثغور صلاحیت مجلس نسبت به حق تحقیق و تفحص

در خصوص حدود و ثغور صلاحیت مجلس نسبت به حق تحقیق و تفحص دو دیدگاه قابل فرض می‌باشد که با توجه به لزوم نقد دیدگاه صلاحیت حداکثری و مستندات آن ابتدا این دیدگاه بررسی خواهد شد و سپس دیدگاه نظارت حداقلی به‌عنوان رویکرد منطبق با مبانی و اصول قانون اساسی تحلیل می‌گردد. بر این مبنا ابتدا استدلال‌های رویکرد حداکثری بیان می‌گردد و نقد و تحلیل آن‌ها در تبیین رویکرد حداقلی خواهد بود.

۲-۱. دیدگاه حداکثری نسبت به صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص

۸. مطابق این دیدگاه، اصل ۷۶ با استفاده از تعبیر «تمام امور کشور» عمومیت دارد و دلالت بر شمول حداکثری تحقیق و تفحص بر همه نهادها می‌کند. از این رو باید گفت که مجلس حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را بدون استثناء داراست. استثناء نمودن این عموم نیازمند دلیل است. مشروح مذاکرات ذیل این اصل در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز دلالاتی بر این مطلب دارد که اراده مقنن اساسی این بوده که صلاحیت مجلس شورای اسلامی در خصوص تحقیق و تفحص در امور کشور بدون استثناء باشد.^۱

۹. در نظر تفسیری شورای نگهبان اشاره شده است که مجلس شورای اسلامی به علت مادون بودن نسبت به برخی از نهادها حق تحقیق و تفحص از آن‌ها را ندارد. حال آنکه

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۸۴۷.

تحقیق و تفحص تنها یک ابزار نظارتی جهت اطلاع یافتن مردم از امور کشور است و موجب هیچ گونه سلطه‌ای از سوی مجلس بر تفحص شونده نمی‌شود لذا مقید نمودن این ابزار به نهادهای غیر مافوق مجلس شورای اسلامی وجهی ندارد و بر فرض پذیرش نهادهای مافوق اصلاً موجب سلطه مجلس بر نهادهای مافوق نمی‌گردد.

۱۰. اصل ۱۴۲ قانون اساسی در خصوص بررسی‌های رهبری توسط رئیس قوه قضائیه مصداق کامل یک نوع نظارت است و توسط رئیس قوه قضائیه که مادون و منصوب رهبری است انجام می‌شود. همان‌طور که از این اصل مشخص است این نظارت هیچ ایرادی نداشته و از جانب قانون اساسی امری پذیرفته شده محسوب می‌شود. لذا این نظر تفسیری شورای نگهبان از این حیث که مافوق بودن را مانعی برای نظارت‌پذیری قلمداد کرده قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

۱۱. شورای نگهبان در مواردی به لوازم نظر تفسیری خود مبنی بر مافوق بودن نهادهای کلان و فراقوه‌ای ملتزم نیست. برای مثال، این شورا طبق نظر تفسیری شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ مورخ ۸۶/۴/۱۹ در مورد امور بودجه و مقررات مالی خود قائل به استقلال است؛^۱ اما در مورد مجمع تشخیص مصلحت نظام به موجب اظهارنظر شماره ۷۶/۲۱/۲۱۰۹ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۳ پیرامون لایحه شمول ماده ۶۶ قانون

۱. عطف به نامه شماره ۸۶/۳۰/۲۱۸۲۰ مورخ ۸۶/۴/۹ مورخ ۱۳۸۶/۴/۹ مبنی بر تقاضای اظهارنظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص مشخص نمودن مرجع تصویب ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، مالی و تشکیلاتی شورای نگهبان، با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی و ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۳ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ مورخ ۸۶/۴/۱۹ این شورا در خصوص اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی بشرح ذیل اعلام می‌گردد: «مستفاد از اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی این است که تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان که انجام وظایف آن به تشخیص شورا متوقف بر آنها است، بر عهده خود این شورا می‌باشد.»

همچنین ماده ۱ قانون مقررات مالی شورای نگهبان با بیان استقلال بودجه‌ای این شورا، مقرر می‌دارد: بودجه شورای نگهبان به تفکیک برنامه و مواد هزینه وسیله امور مالی شورای مذکور تهیه و پس از تأیید شورا به سازمان برنامه و بودجه پیشنهاد می‌گردد تا عیناً در لایحه بودجه کل کشور منظور گردد و مصرف آن تابع مقررات این قانون می‌باشد.

محاسبات عمومی کشور به مجمع تشخیص مصلحت نظام و مقررات مالی آن، بودجه آن را مستقل ندانسته و مانند سایر نهادها با آن برخورد نموده است.^۱ در مقابل باید به این موضوع اشاره نمود که استقلال مالی و بودجه‌ای موضوعاً متفاوت از نظارت ناشی از صلاحیت تحقیق و تفحص است.

۱۲. همچنین از لوازم مافوق دانستن نهادهایی نسبت به مجلس مانند شورای نگهبان، مجلس خبرگان و مواردی که در نظر تفسیری اشاره گردید، به نحوی که مانند سلسله مراتب اداری، مقام مادون نتواند نسبت به مقام مافوق تکلیفی مقرر کند، آن است که مجلس از طریق قانون‌گذاری هم نتواند تکلیفی برای این قبیل نهادها ایجاد و وضع نماید. درحالی که برای مثال شورای نگهبان در قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۰ و قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۶۵، تکالیفی^۲ را برای خود به عنوان نهاد ناظر بر انتخابات، از سوی مجلس پذیرفته است.^۳

۱. براساس این نظر، شورای نگهبان شمول ماده ۶۶ قانون محاسبات عمومی کشور بر مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی عدم رعایت مقررات این قانون و استقلال مالی مجمع را مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی دانست.

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۶۶۵ - ق مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۶ «لایحه شمول ماده (۶۶) قانون محاسبات عمومی کشور به مجمع تشخیص مصلحت نظام و مقررات مالی آن» که در جلسه مورخ بیست و سوم آذر ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۳ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«نظر به این که طبق ماده ۲ بودجه مجمع پس از تأیید مجمع به سازمان برنامه و بودجه پیشنهاد می‌گردد تا عیناً در لایحه بودجه کل کشور منظور گردد و نظر به این که این امر سالب اختیار دولت مقرر در اصل ۵۲ می‌باشد، ماده مذکور خلاف اصل ۵۲ قانون اساسی تشخیص داده شد.»

۲. براساس این دو قانون شورای نگهبان باید اعضایی را جهت تشکیل هیات مرکزی نظارت معرفی نماید. همچنین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲ که به تأیید شورای نگهبان رسیده بود نیز در ماده ۶۸ شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت را موظف نموده بود، کلیه شکایات مربوط به انتخابات را پس از صدور اعتبارنامه‌ها به مجلس ارسال دارند.

۳. تحلیل این رویکرد در دیدگاه حداکثری ذیل نکته شماره ۲۶ بیان شده است.

۱۳. با نگاهی بنیادین به مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی باید گفت، هر نظام حقوقی نظم‌ی دارد که هر بخش با نسبت خاصی با بخش دیگر ارتباط برقرار می‌کند. این چیدمان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی بر اساس نظریه امت و امامت است و نه دولت ملت. مبتنی بر این نظریه، در یک تقسیم‌بندی سه نوع نهاد وجود دارد. نهادهایی برآمده از امت مانند مجلس شورای اسلامی، شوراهای محلی، مجلس خبرگان. نهادهایی برآمده از نهاد امامت از جمله رئیس قوه قضائیه، فقهای شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام و نهادهایی هم برآمده از مشارکت در اعمال صلاحیت هر دو که رئیس‌جمهور به واسطه انتخاب عمومی و تنفیذ مقام رهبری، این چنین است. با این تبیین نهاد مافوق چندان معنایی ندارد و صرفاً اصول ۵۷ و ۱۱۳ رهبری را مقام مافوق می‌داند؛ اما نمی‌توان از این اصول نتیجه گرفت که نهاد رهبری نظارت ناپذیر است. در واقع شأن دارای اصالت و استقلالی امت به منظور نظارت بر ساختار قدرت با هیچ امری قابل تخصیص نیست زیرا هدف نظارت امت، پاک‌سازی جامعه از فساد و هوشیاری مستمر ایشان نسبت به همه امور است و این فلسفه با نظارت ناپذیری برخی نهادها و مقامات در تنافی است. البته در مقابل، شأن نظارت پیش‌گفته با دخالتی که منجر به اختلال قوا و عدم رعایت تفکیک صلاحیت شود، متفاوت است. در مقابل به نظر می‌رسد این استدلال فاقد وجهت حقوقی است چرا که ضرورت نظارت بر همه‌ی ارکان حاکمیت در نظریه مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار بوده اما این امر به معنای لزوم نظارت مجلس شورای اسلامی بر همه‌ی ارکان حکمرانی نیست.

۱۴. نه تنها دلیلی بر محدود ساختن حق نظارت مردم که در حق تحقیق و تفحص تبلور یافته، وجود ندارد؛ بلکه این حق مبتنی بر منابع دینی چون امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی بر سلطان و نصیح به حاکم و از باب کلکم راع^۱ و کلکم مسئول و اصول حقوقی همچون نقش و جایگاه اصیل مردم در نظارت بر قدرت، حق تعیین

۱. الدیلمی، الحسن بن أبی الحسن محمد، إرشاد القلوب: المنجی من عمل به من أليم العقاب، تحقیق السید هاشم المیلانی، الرضی، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۸۴.

سرنوشت و موارد دیگر است؛ بنابراین استثنا هر نهادی از این عمومیت، نیاز به دلیل خاص و متقن دارد. این حق به صورت استقلالی و اصالی متعلق به امت است و مجلس بر اساس اصول ۵۸ و ۶۲ متشکل از نمایندگان منتخب مردم و با تکیه بر شأن و جایگاهی است که مردم در نظام حکمرانی دینی از آن برخوردارند، نسبت به اعمال این حق اقدام می‌کند و در این راستا نیازمند به کسب مجوز و موافقت هیچ مرجعی حتی ولی فقیه نیست چراکه ماهیت این حق آن است که مجلس می‌خواهد براساس شأن پیش گفته در مورد امور مختلف کشور کسب اطلاع کند؛ زیرا هر آنچه مربوط به حکمرانی است به مردم ارتباط پیدا می‌کند و اینجا است که سخن شهید بهشتی در مشروح مذاکرات خبرگان اساسی پیرامون اصل ۷۶ معنا پیدا می‌کند که «آن دوره که به نماینده می‌گفتند به تو مربوط نیست گذشته است.»^۱ خروجی اصل ۷۶ آن است که در هر امر عمومی مربوط به کشور، مجلس می‌تواند طی فرایندی اسناد، مدارک مربوط را بررسی و تحقیقات لازم را مبذول دارد و بدیهی است که نتیجه تحقیق و تفحص می‌تواند زمینه‌ساز استفاده از سایر ابزارهای نظارتی مجلس باشد.

۱۵. بر اساس نگاه امت و امامت به ساختار حقوقی کشور، دو استثنا بر اصل ۷۶ قانون اساسی منطقی به نظر می‌رسد. یکی مجلس خبرگان رهبری است زیرا هر چند مانند مجلس شورای اسلامی و شوراهای محلی برآمده از امت هستند و مستقیماً در برابر مردم مسئولیت داشته و پاسخگو هستند، اما به جهت برخورداری از صلاحیتی ممتاز در ارتباط با مقام رهبری، مردم خود (نه نمایندگان) از مجرای نظارت مستقیم حلقه پایانی پرسشگری را تکمیل می‌کنند و دیگری شخص رهبر زیرا مجلس خبرگان رهبری، صلاحیت خاص قانونی و تخصصی در این مورد دارد و نظارت خبرگان به عنوان مرجع خاص پیش‌بینی شده است. مطالب این بخش در مورد استثنائات نهادی طرح گردید، در مورد استثنائات موضوعی با نگاهی به سایر اصول قانون اساسی

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۸۴۷.

می‌توان محدودیت‌هایی را برشمرد که موضوع این گزارش نبوده و در جای خود بحث شده است.

۱۶. تحقیق و تفحص مجلس نسبت به سایر قوا، منافاتی با استقلال آن‌ها ندارد؛ زیرا اولاً آنچه در استقلال قوا هدف و مقصود محسوب می‌شود، آن است که قوای سه‌گانه در امور اختصاصی یکدیگر دخالت ننمایند و حال اینکه انجام نظارت مجلس نسبت به قوای دیگر از مجرای اعمال تحقیق و تفحص، به معنای دخالت یک قوه در امور قوه دیگر نیست. ثانیاً تفکیک قوای مطلق، نه در نظام حقوقی ایران^۱ و نه عملاً در هیچ نظام حقوقی جاری نیست. به تعبیر دیگر، سطحی از روابط میان قوا، در همه نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است، حتی در آمریکا که دارای نظامی حقوقی با تفکیک مطلق قوا معرفی می‌شود، در عمل چنین نبوده و قوای سه‌گانه ابزارهایی در جهت تأثیرگذاری بر یکدیگر در اختیار داشته، گاهی به شکل محدودی در صلاحیت دیگری ورود می‌کنند. از این رو تحقیق و تفحص مجلس از قوه قضائیه خلاف استقلال قوا نیست زیرا مجلس کار قضائی انجام نمی‌دهد کما اینکه تحقیق و تفحص از دولت مغایر با استقلال قوا نیست.^۲ از طرفی تخصصی بودن کار قوه قضائیه نیز هیچ منعی برای تحقیق و تفحص ایجاد نمی‌کند چراکه مجلس می‌تواند از ابزارهای تخصصی و از متخصصین برای این نوع تحقیق و تفحص استفاده کند. همچنین می‌توان تحقیق و تفحص از امور ماهیتاً قضایی و آرا دادگاه‌ها را از تشکیلات و روند امور در قوه قضائیه تفکیک نمود.

۱. قطبی، میلاد، حبیب زاده، توکل. تحلیل جایگاه نهادهای اجرایی فراقوه‌ای مصوب مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران و چارچوب اصل استقلال قوا. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، ۴۵ (۳): ۳۶۰-۳۴۱. ص ۳۴۸.

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به نعمتی، مژگان، حبیب زاده، محمدجعفر، موسوی مجاب، سیددرد. پاسخگویی پارلمانی قوه قضائیه به مثابه چالش استقلال قضایی. مجله حقوقی دادگستری، ۱۴۰۰، ۸۵ (۱۱۵): ۳۴۷-۳۲۷. ص ۳۳۹. / برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به ویژه، محمد رضا، تحلیل حق تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از قوه قضائیه، مجله دادرسی، شماره ۴۹، ۶۵-۶۳.

۲-۲. دیدگاه حداقلی نسبت به صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص

۱۷. مطابق این دیدگاه، در همه‌ی کشورها، در موضوعات مختلف، برخی نهادها محل اتکا و نقطه ثقل آن نظام حقوقی هستند و حکمشان به نوعی فصل الخطاب است؛ بنابراین تحقیق و تفحص در این امور معنا پیدا نمی‌کند چراکه با فلسفه وجودی این‌گونه نهادها که فیصله دهنده امور هستند، مغایرت دارد و کنکاش در این موضوعات موجب اختلال در نظام تصمیم‌گیری کشور خواهد شد؛ بنابراین شاید بتوان عدم امکان تحقیق و تفحص از این نهادها مثل شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام را با این بیان توضیح داد.

۱۸. بر مبنای نظام امت و امامت، تعیین برخی هنجارهای فرازین به مقام رهبری سپرده شده مانند تعیین سیاست‌های کلی نظام و یا شئون مختص به ولی فقیه که در این راستا از وظایف خاصی برخوردار است. از این رو در صورتی که شأنی از شئون خاص مرتبط به ولی فقیه نقض شود، تحقیق و تفحص موضوعیت ندارد. به عنوان مثال، اداره امور اوقاف بر عهده ولی فقیه و حاکم اسلامی است که به صلاحدید او بر اساس سیاست خاصی تدبیر، واگذار و اجرا می‌شود. در این مورد مجلس نمی‌تواند حق تحقیق و تفحص را اعمال کند چراکه سیاست‌گذاری در زمینه نحوه اداره موقوفات بر عهده ولی فقیه و از شئون ایشان است و ورود در این حوزه، خروج از صلاحیت و نقض شأن خاص مقام رهبری است.

۱۹. مطابق یک رویکرد، جنس و ماهیت حق تحقیق و تفحص یک نوع نظارت نهادی است و ماهیت آن از باب نظارت عامه و امر به معروف و نهی از منکر نیست، لذا نمی‌توان عمومیت و شمول حداکثری را برای آن قائل شد؛ بلکه در سایه نگرش نظام‌مند به قانون اساسی و سایر اصول بایستی همچون سایر ابزارهای نظارتی آن را تلقی نمود و محدودیت‌های بیان شده را پذیرفت.

۲۰. در صورتی که نظارت مذکور در اصل ۷۶ نظارت پسینی و فراتر از نظارت اطلاعاتی محسوب شود؛ مجلس شورای اسلامی صرفاً در مواردی می‌تواند ورود کند که ضمانت اجرای مناسب آن را داشته باشد، در حالی که در ارتباط با برخی نهادها

این گونه نیست؛ به عبارت دیگر، اگر این نوع نظارت فراتر از نظارت نهادی و به نحوی است که مجلس می تواند در این راستا ابزارهای خاصی را به کار ببرد، باید به اقتضائات خاص نظارت به معنای تام پایبند بود که از آن جمله می توان به کسب اطلاع یا همکاری نهاد نظارت شونده اشاره کرد که به نظر می رسد نمی توان به این اقتضائات در مورد نهادهای کلان و فراقوه ای ملتزم بود؛ بنابراین نظارت مزبور را نباید به نظارت همه جانبه و عام در تمام ارکان توسعه داد.

۲۱. نگرش نظام مند به قانون اساسی دلالت بر محدود بودن دامنه حق تحقیق و تفحص می کند. در این راستا با ملاحظه اصل ۹۰ قانون اساسی که در صدد بیان یک نوع صلاحیت نظارتی دیگر برای مجلس است، مشاهده می شود که دایره نهادهای نظارت شونده محدود به سه قوه است. هر چند موضوع اصل ۹۰ با ۷۶ متفاوت است اما هر دو اصل، صلاحیت نظارتی مجلس را بیان می کنند، لذا اگر در اصل ۷۶ براساس اطلاق و عموم آن، نظارت تام و عام الشمولی مد نظر قانون گذار اساسی می بود، همان عموم باید در اصل ۹۰ در نظر قرار گرفته می شد؛ به عبارت دیگر برخلاف دیدگاه رقیب که اطلاق و عموم این اصل را بر سایر اصول حاکم می داند، این دو اصل در مقام بیان صلاحیت نظارتی مجلس باید در کنار یکدیگر دیده شوند و چون اصل ۹۰ محدود شده پس محدودیت های وارد بر آن بر اصل ۷۶ نیز جاری است زیرا هر دو از یک منشأ و آبشخور تغذیه می شوند که همان شأن نظارت مجلس در چارچوبی خاص است. از سوی دیگر، نگرش نظام مند به قانون اساسی اقتضا دارد در تفسیر و تحلیل معنای اصل ۷۶، سایر اصول از جمله اصول ۵۷، ۱۰۸ و ۱۱۲ مد نظر قرار گیرد؛ چراکه اصول مزبور با بیان صلاحیت های ویژه برخی مقامات و نهادها به نوعی اطلاق مذکور در اصل ۷۶ قانون اساسی را مقید می سازند. از سوی دیگر از آنجا که صلاحیت ها و کارویژه های نهادهای چون مجلس خبرگان و همچنین شورای نگهبان به کلی با کارکردها و وظایف مجلس شورای اسلامی تفاوت دارد، تحقیق و تفحص در رابطه با عملکرد این دو نهاد نیز بی فایده بوده و اثری بر آن مترتب نخواهد بود.

از این رو، مجلس شورای اسلامی صلاحیتی در تحقیق و تفحص از این دو نهاد نخواهد داشت.

۲۲. سوالی که قابل طرح است آن که اساسا فلسفه واگذاری ابزارهای نظارتی به مجلس شورای اسلامی از جمله تحقیق و تفحص و سؤال و صلاحیت مذکور در اصل ۹۰ قانون اساسی چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید بیان نمود که قانون‌گذار اساسی در راستای تحقق هر چه بهتر وظایف تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی ابزارهایی را در اختیار این نهاد قرار داده تا با نگاه دقیق و اطلاعات موثق اقدام به قانون‌گذاری و اعمال نظارت نماید. بر همین اساس نگاه نظام‌مند به قانون اساسی اقتضا دارد که نهادهای خارج از صلاحیت نظارتی و تقنینی مجلس از دایره‌ی ابزارهای نظارتی آن نیز خارج باشند.

۲۳. نظارت بر مقام رهبری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی در راستای ضرورت نظارت بر همه‌ی ارکان حاکمیت در نظریه مردم‌سالاری دینی به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار دارد، اما این امر به معنای لزوم نظارت مجلس شورای اسلامی بر همه‌ی ارکان حکمرانی نیست. بر اساس همین رویکرد مقام رهبری مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای نهاد ناظر خاص بوده و وظیفه نظارت بر استمرار شرایط رهبری به نمایندگان ملت در مجلس خبرگان رهبری واگذار شده است و از همین رو مجلس شورای اسلامی صلاحیتی برای تحقیق و تفحص، سؤال و یا پیگیری شکایت از این نهاد را نخواهد داشت.

۲۴. در خصوص نظارت رئیس قوه قضائیه بر دارایی مقام رهبری باید گفت بی‌تردید رئیس قوه قضائیه دارای صلاحیت نظارت قضایی بر تمامی مقامات از جمله مقام رهبری است. به عبارت دیگر مقام رهبری فاقد مصونیت قضایی است و اگرچه رئیس قوه قضائیه منصوب رهبری است؛ اما چنانچه رهبری مرتکب جرم یا تخلفی شود، قوه قضائیه به جرائم و تخلفات ایشان رسیدگی می‌کند. لذا از آنجا که قوه قضائیه دارای شأن نظارت قضایی بر رهبری است، سپردن نظارت بر دارایی رهبری نیز به رئیس این قوه واگذار شده است. این در حالی است که چنین رابطه‌ای بین

رهبری با مجلس وجود ندارد و مجلس شأن نظارتی نسبت به رهبری ندارد و نظارت بر آن از طریق چارچوب خاص خود.

۲۵. راجع به استقلال مالی و بودجه ای شورای نگهبان و عدم به رسمیت شناختن این امر در خصوص سایر نهاد ها از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام و دلالت این نکته بر عدم پابندی شورای نگهبان به لوازم رویکرد خود (به بند ۱۱ مراجعه شود) باید توجه داشت که این استدلال نادرست است. زیرا استقلال مالی و بودجه ای موضوعاً متفاوت از نظارت ناشی از صلاحیت تحقیق و تفحص است. در واقع شورای نگهبان بر اساس اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی خود را که انجام وظایف آن به تشخیص شورا متوقف بر آنها است، بر عهده خود این شورا می داند؛ اما سایر نهادها را کماکان مشمول اصول کلی ناظر بر بودجه و تحت همان چارچوب عمومی بودجه ای برمی شمارد. در رویه شورای نگهبان، نظارت نهادی موضوع تحقیق و تفحص جدای از نظارت و استقلال مالی دیده شده و به طور کلی از نظر ایشان به غیر از شورای نگهبان هیچ نهادی دارای استقلال مالی نیست؛ لذا این امر ارتباطی به تفوق یا عدم تفوق نهادی و به تبع شمول یا عدم شمول نظارت موضوع تحقیق و تفحص ندارد.

۲۶. در مورد وضع تکالیف قانونی برای شورای نگهبان از سوی مجلس نیز نظر تفسیری فوق جاری است زیرا شورای نگهبان با عنایت به تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی خود توسط این شورا دارای استقلال است. در زمینه وظایف و کارویژه های مرتبط با شورای نگهبان، موارد آن در قانون اساسی مشخص شده و مجلس نمی تواند آن را تغییر دهد یا چیزی به آن اضافه کند، کارویژه های شورای نگهبان مندرج در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و موارد مشابه نیز در راستای قانون اساسی بوده و حتی در سال های بعد عبارت تکلیف و مانند آن برای شورای نگهبان حذف شده است.

جمع‌بندی

در مقام جمع‌بندی رویکردهای ارائه شده در خصوص تحلیل نظریه تفسیری شورای نگهبان پیرامون اصل ۷۶ قانون اساسی و حیطه نهادی صلاحیت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی دو رویکرد کلان قابل مطرح می‌باشد.

چنانکه بیان شد بر اساس یک رویکرد در قانون اساسی بر اساس اصل ۵۷ رهبری ناظر و مافوق قوای سه گانه بوده اما در خصوص جایگاه سایر نهادهای اساسی در سلسله مراتب نهادی قانون اساسی ساکت است. وقتی سخن از نهاد مادون و مافوق می‌شود، ملاک تسلیط پیش می‌آید، یعنی باید قائل شد نهادی بر نهاد دیگر و ساختاری بر ساختار دیگر سلطه دارد. گرچه چنین فرضی مردود به نظر می‌رسد و تعبیر به مادون و مافوق بودن ساختارها و نهادها، تعبیر دقیقی نیست؛ بلکه تفاوت صلاحیت‌ها، حدود و ثغور آن‌ها و کار ویژه‌ها، سبب تمایز نقش‌آفرینی و کارکرد هر یک شده است؛ بنابراین نمی‌توان به استناد برتری مقام یا نهادی بر مجلس شورای اسلامی، آن نهاد را از حق تحقیق و تفحص مجلس مستثنی دانست.

از سوی دیگر صراحت و عموم اصل ۷۶ کاملاً روشن است و نمی‌توان از آن چشم پوشید و به راحتی مواردی را از شمول عموم آن‌که خلاف غایت قانون‌گذار اساسی است، استثنا کرد. زمانی می‌توان از عمومیت و شمول اصل ۷۶ دست برداشت که دلیلی خاص و محکم بر تخصیص آن موجود باشد، در غیر این صورت ولو آن‌که برتری برخی مقامات و نهادها از مجلس مورد پذیرش قرار گیرد، بنا بر حق نظارت عام‌الشمول و اصالی مردم و به تعبیر دقیق‌تر امت، برخاسته از شأن و جایگاه ایشان در نظام حکمرانی دینی، تمام امور کشور و به تبع نهادهای حقوق اساسی مشمول صلاحیت مزبور هستند. جایگاهی که مبتنی بر مبانی چون کلکم راع و کلکم مسئول، امر به معروف و نهی از منکر (طبق ضوابط اسلامی)، نظارت همگانی بر سلطان و نصیح به حاکم است. جایگاهی که به صورت اصالی متعلق به ایشان است و قابلیت محدودسازی از سوی هیچ مقام یا مرجعی را ندارد. از این‌رو تنها دلیل استثنائات در تفسیر شورای نگهبان، محدود به مواردی خواهد بود که نهادی به دلیل صلاحیت خاص خود آن‌هم به موجب قانون استثنا شده باشد و نه مافوق بودن؛ زیرا در صورتی که دلیل استثنا برتری دانسته شود، اصل آن است آن نهاد در تمام شئون و امور مستثنا است و ناگفته پیداست چنین

نظارت‌ناپذیری چه مفاسدی در پی خواهد داشت، درحالی‌که اگر دلیل استثنا صلاحیت خاص آن نهاد تعیین شود، تنها در محدوده قانون استثنا می‌شود؛ مانند مجلس خبرگان که قانون مربوط به خود را وضع می‌کنند و این به معنای مافوق بودن این نهاد نیست بلکه قانون صلاحیت خاصی را در محدوده مشخص به ایشان سپرده و یا تصویب قانون در مواردی که مشمول فرماندهی کل قوا می‌شود؛ بنابراین تفسیر و نظرات شورای نگهبان در محدودسازی اعمال صلاحیت تحقیق و تفحص مجلس، مورد مناقشه است چراکه همان‌طور که بیان شد علاوه بر تبیین مبانی و دلایل پیش‌گفته، شورای نگهبان به لوازم چنین نظری پایبند نبوده و در حوزه بودجه یا تقنین معتقد به محدودیت مجلس در مواجهه با نهادهای مافوق (بر اساس تقریر شورای نگهبان) نیست.

در مقابل و از نگاه دیگر، هر چند غیر از رهبری به تفوق مقام یا نهاد دیگری در قانون اساسی تصریح نشده اما با نگاه به نظم اساسی حاکم بر قانون اساسی و روابط مقامات و نهادهای مندرج در آن در هرم هنجاری کشور، می‌توان نوعی تفوق و مراتب در میان نهادهای حقوقی کشور را برداشت نمود که بر اساس آن مجلس امکان اعمال حق تحقیق و تفحص در مورد آن‌ها را ندارد. بر اساس این نگاه، در مورد جنس و ماهیت حق تحقیق و تفحص نیز باید قائل به یک نوع نظارت نهادی شد که ماهیت آن از باب نظارت عامه و مستلزم عمومیت و شمول حداکثری بر همه نهادها نیست. در واقع با نگرش نظام‌مند به قانون اساسی و سایر اصول بایستی همچون سایر ابزارهای نظارتی آن را تلقی نمود و عمومیت ادعایی در اصل ۷۶ را تخصیص زد. از این‌رو نظارت موضوع اصل مزبور، نظارتی تام نیست و اقتضائات خاص نظارت به معنای تام را ندارد. به همین دلیل ضمانت اجرای مناسب آن مانند امکان کسب اطلاع یا الزام به همکاری نهاد نظارت شونده با مجلس و مواردی از این دست در مورد نهادهای مافوق مجلس وجود ندارد؛ بنابراین با قرار دادن اصل ۷۶ در کنار سایر اصول قانون اساسی از جمله اصول مربوط به صلاحیت نظارتی مجلس و نیز اصول مربوط به صلاحیت و اختیارات رهبری و نهادهای کلان و فراقوه‌ای، مشخص می‌شود- ولو آن‌که نهادهای مزبور را مافوق مجلس نباشند- حق تحقیق و تفحص در چارچوب و مجرای خاص قابلیت اعمال دارد به نحوی که موقعیت حقوقی سایر نهادهای قانون اساسی و نظم اساسی شکل گرفته در آن بستر را مخدوش نکند و این نظارت خروج از صلاحیت و نقض

جایگاه ویژه نهادهای مزبور محسوب نگردد. البته این نگاه نافی شفافیت و وجود نظارت در نهادهای مزبور نیست اما نیاز به پیش‌بینی سازوکار خاص به خود دارد. به نظر می‌رسد رویکرد دوم همخوانی بیشتری با تحلیل نظام‌مند از قانون اساسی و مبانی آن و جایگاه نهادهای اساسی در جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

در پایان سوالات ذیل به عنوان پیشنهاد پژوهشی در راستای تتبع بیشتر در موضوع بحث، قابل طرح است:

جایگاه تحقیق و تفحص مجلس در میان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب کجاست؟ نسبت تحقیق و تفحص با کارکرد نهاد آموذزمان چیست و آیا امکان شمول آن‌ها بر نهادها و امور قضایی وجود دارد؟ جایگاه مردم در نظارت بر اعمال دولت کجاست و به چه صورتی قابلیت اعمال دارد؟ (امکان‌سنجی نظارت مادون بر مافوق)، لوازم نظارت امت بر امام مبتنی بر نظریه امت و امامت چیست؟ حدود و مختصات صلاحیت تحقیق و تفحص چیست و نسبت آن با دخالت چگونه تبیین می‌گردد؟ نظارت بر نهادهای تحت نظر چگونه قابل تحقق است؟ نظارت بر نهادهای عالی در نظام‌های حقوقی سایر کشورها چگونه صورت می‌پذیرد؟

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. آقائی طوق مسلم، صدری ارحامی محمد، مختاری ایمان. بررسی مفهوم نهادهای زیرمجموعه رهبری و کیفیت نظارت بر آنها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی. ۱۴۰۰؛ ۲۶ (۹۶): ۹۳-۱۱۲.
۲. جمعی از نویسندگان، بازخوانی تحلیلی قانون اساسی مبتنی بر مشروح مذاکرات تصویب قانون اساسی (۱۳۵۸)، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چ ۱، ۱۳۹۸، ج ۶.
۳. جمعی از نویسندگان، محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چ ۱، ۱۳۹۹.
۴. رستمی، ولی قطبی، میلاد و حضوری، مصطفی. «نظارت بر نهادهای زیر نظر رهبری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، شماره ۸۸ پیاپی، ۱۳۹۷.
۵. رستمی، ولی قطبی، میلاد. «تحلیلی بر مفهوم نهادهای زیر نظر رهبری در نظام تقنینی ایران». فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۳ (۹)، ۶۹-۹۰، ۱۳۹۳.
۶. زارعی، محمدحسین، شهبازی، خیرالله، گزارش «محدوده قانونی برای تحقیق و تفحص مجلس از نهادهای بخش عمومی غیردولتی به ویژه آستان قدس رضوی، دانشگاه آزاد اسلامی و بنیاد مستضعفان»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۷۱۲۲، ۱۳۸۳، قابل دسترسی در: <https://slink.shora-gc.ir/1Om2t>
۷. قطبی، میلاد، حبیب زاده، توکل. تحلیل جایگاه نهادهای اجرایی فراقوه‌ای مصوب مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران و چارچوب اصل استقلال قوا. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، ۴۵ (۳): ۳۴۱-۳۶۰.
۸. «گزارش‌های مرکز پیرامون مفهوم نظارت»، گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۴۷۴۰، شهریور ۱۳۷۸، ص ۲، قابل دسترسی در آدرس زیر:

۹. مرکز المیری، احمد، «بررسی جایگاه و نحوه اعمال تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی»، گزارش پژوهشی دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۹۷۶۱، مورخ ۱۳۸۸/۵/۶.
۱۰. نعمتی، مژگان، حبیب زاده، محمدجعفر، موسوی مجاب، سیددربید. پاسخگویی پارلمانی قوه قضائیه به مثابه چالش استقلال قضایی. مجله حقوقی دادگستری، ۱۴۰۰، ۸۵ (۱۱۵): ۳۴۷-۳۲۷.
۱۱. ویژه، محمدرضا، تحلیل حق تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از قوه قضائیه، مجله دادرسی، شماره ۴۹، ۶۵-۶۳.
۱۲. یوسف پور، علی. تحقیق و تفحص: مفهوم نظارت و جایگاه مجلس، مجلس و پژوهش، شماره ۱۷، ۱۳۷۴، ۱۴۵-۱۵۴.



امام خمینے (ره)

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه‌ای جلوگیری نمایند.



تهران | خیابان شهید بهشتی
خیابان سرافراز | کوچه پنجم | پلاک ۱۱

www.ccri.ac.ir

کد پستی ۱۵۹۷۸۵۶۱۱۳
دبیرخانه ۰۲۱۸۸۵۳۳۴۲۲



پژوهشکده شورای نگهبان